

# تار رقابت



شد و تا امروز پس از ۱۴ سال هنوز عقده‌ها باقی مانده است. شما نمی‌توانید بگویید چرا از ۸۸ به بعد کاری نکردید. شما می‌گویید سال ۹۲ حاکمیت برای اصلاح‌طلبان فرصت فراهم کرد، شما فرصت فراهم نکردید.

**■ نه! فرصت که در انتخابات ایجاد شد. علاوه بر این مسوولان ستاد موسوی همه وزیر شدند.**

شما آمدید آقای هاشمی رفسنجانی را بدون هیچ دلیلی ردصلاحیت کردید؛ معلوم است که مردم واکنش نشان می‌دهند. هر بنی بشر دیگری را اگر آقای هاشمی معرفی می‌کرد، رای می‌آورد، چون مردم رفتارهای حکومت را نمی‌پذیرفتند. منظور از رفتارهای حکومت، عملکرد شورای نگهبان، ردصلاحیت‌ها و سکوت در برابر ردصلاحیت است. مگر هاشمی آدم کمی بود؟

**■ می‌گویید سال ۸۸ موسوی از ما نبود و به لحاظ ساختاری از اصلاح‌طلبان نبود و خودش هم یک ادعایی مطرح کرد و نهادهای امنیتی - اطلاعاتی هم یک برنامه‌هایی داشتند ولی همین مساله می‌توانست منشأ این باشد که از سوی اصلاح‌طلبان بازسازی شکل بگیرد.**

بنده به دوستان در اوین گفتم تا زمانی که ما گروگان شما هستیم، نمی‌شود خواست شما از زبان هاشمی، کروی، خاتمی و موسوی درآید و اجازه بدهید ما برویم برای گفت‌وگو اما گوش نکردند. ابتدای کار رهبر انقلاب این کار را کردند. همه ما ۲ بار دستگیر شدیم. شبیه گرفتند و فردایش آزادمان کردند، چون دیدند کار بدی کردند و رهبری برخورد کردند. آقایان می‌خواستند دوشنبه تظاهرات کنند، دوباره گفتند برویم اینها را بگیریم. اصلا جماعتی که بازداشت شدند چه نسبتی با روز دوشنبه داشتند؟

مگر ما نشان ندادیم که برانداز نیستیم. البته علی‌القاعده باید عکس این موضوع باشد و دیگران باید اثبات کنند که ما برانداز هستیم.

**■ چه چیزی را می‌گفتند که می‌خواهید براندازی کنید؟**

**■ شما خودتان که بخشی از نظام هستید؛ کی می‌خواست براندازی کند؟**

آقایان می‌گفتند.

**■ هیچ‌وقت نمی‌توانیم از بحث تقلب به سمت براندازی فرار کنیم.**

حاکمیت جماعتی را بازداشت کرد.

**■ قبل از ماجرا که کسی بازداشت نشد.**

قبل از ماجرا احکام را صادر و چند ساعت بعد از انتخابات ۸۸ بازداشت کردند. بعد حجتی نداشتند که به جامعه بگویند متقلبان را چرا گرفتیم. حالا

کسی ادعا کرده تقلب شده، حالا مسوولان باید اثبات کنند تقلب نشده است و ادعا را باید پاسخ دهند. «البینه علی المدعی» پس چه می‌شود؟ آن کسی که مدعی است باید ثابت کند و مستنداتش را ارائه کند.

مهندس موسوی حسب اختیارات قانونی گفت روی این صندوق‌ها اعتراض دارم.

**■ شورای نگهبان که به این مساله پاسخ داد.**

جماعتی را گرفتند و وجدان جامعه را قانع نکردند و حاکمیت یک نسبت ناروایی به نام برانداز و اجتماع و تبانی علیه نظام سیاسی ایران و تبلیغ علیه نظام را به مدعیان تقلب داد و نتیجه آن شد

که همه اینها خلاف واقعیت بود. براندازی عبارت هجوی بود که علیه مدعیان تقلب مطرح شد.

**■ آن یک اطلاق مجرمانه است که دستگاه قضا به شما می‌دهد.**

سخن این است که در یک حادثه سیاسی آقایان با اصلاح‌طلبان یک تسویه حساب تاریخی کردند.

**■ ما در مقام این هستیم که چگونه این وضعیت را سامان دهیم.**

شما می‌گویید چرا اصلاح‌طلبان مواضع خودشان را بازسازی نکردند. حاکمیت روز به روز شرایط را سخت‌تر کرد و هیچ پاسخی هم به اقدام اولیه نداد.

جماعت اصلاح‌طلب روزبه‌روز توسط سیاست‌های حاکمیتی تضعیف شد و البته طبیعی است که بخشی از اصلاح‌طلبان رادیکال شوند؛ در این ماجرا که روزبه‌روز از ظرفیت تاثیرگذاری اصلاح‌طلبان کاهش می‌یابد، ممکن است ۴ نفرشان هم فریاد بزنند یا حرف بیجا بزنند، بنده این مساله را رد نمی‌کنم. حالا که رهبری پیامی داده‌اند که این پیام فصل مشترک آرمان‌ها و دیدگاه‌های اصلاح‌طلبان با تکالیف قانونی مسوولان است، آیا می‌توانیم کمکی کنیم که موضوع مشارکت حداکثری که با عنوان رقابت در هم تنیده است، شکل بگیرد؟ به نظر من راهی وجود داشت و پیشنهاد هم داده شد و پاسخی هم نگرفتیم. آن پیشنهاد این بود که مجلس محترم می‌توانست مشورت بگیرد ولی نگرفت و خودشان بریدند و دوختند و بعد هم به اجرا گذاشتند. این فرصت از اصلاح‌طلبان دریغ شد که کار متمرکز کنند و از حوزه‌های انتخابیه فراخوان دهند و آدم‌های خود را غربال کنند؛ متأسفانه این فرصت از دست رفت. البته امکان بازیافت این فرصت هست و آن این است که مجلس با طرح ۳ فوریتی یک فرصت ۲ هفته‌ای مقرر کند. با این کار اولاً بهانه را از دست رقیب (اصلاح‌طلبان) می‌گیرند که اصلاح‌طلبان حرف خلاف نزنند و اگر کسی را دارند برون ثبت‌نام کند، دوم اینکه رویکرد تأیید صلاحیت‌ها سراسر ایراد دارد. از سال ۷۱ به بعد همین‌طور سخت‌تر و سخت‌تر شد.

**■ شما این مطالب را در حالی مطرح می‌کنید که بر اساس یک دیدگاهی جریان اصلاحات مرجعیت خود را نزد طبقه متوسط از دست داده است. آیا می‌توانید طبقه متوسط را مدیریت کنید؟**

جریان اصلاحات حتما می‌تواند قشر متوسط را پای صندوق‌ها بیاورد، البته با شرط و شروط و قدماتی.

واقعیت این است که بین انتخابات ریاست‌جمهوری و پارلمان تفاوت‌های ماهوی وجود دارد. در بحث انتخابات مجلس، نقش مطالبات بومی و محلی خیلی موثر است، به خصوص اینکه دوسوم نماینده‌های مجلس از حوزه‌های تک‌نماینده هستند. آن چیزی که نماد تمام‌عیار مشروعیت‌بخشی به نظام و مشروعیت‌بخشی نفوذپذیر احزاب میان مردم و سرمایه اجتماعی است، بحث ریاست‌جمهوری است. بنده منتقد شعار «اصلاح‌طلب اصولگرا، دیگه تمومه ماجرا» هستم و برای آن دلیل هم دارم. اینکه حداقل یک بخشی از این شعار در سال ۱۴۰۰ با اصلاح‌طلبی این شعار هم این است که در انتخابات ریاست‌جمهوری آینده، میدان فراخ برای نماینده و نامزد متعلق به نظریه سیاسی اصلاح‌طلب فراهم شود و آن رقابت نشان‌دهنده آن خواهد بود که آن شعار غلط است. ما مدعی هستیم رقابت تنگاتنگی با اصولگرایان داریم و با یک لایه قوی‌تر، ۱۵ - ۱۰ درصد ظرفیت نفوذ اجتماعی اصلاح‌طلبان بیشتر از اصولگرایان است که جامعه کم و بیش آن را نشان داده است. با توجه به اینکه در امر مدیریت ارشد کشور مدت زمان بیشتری متعلق به اصلاحات بوده، بیشتر می‌شود مورد نقد شما باشیم. به همین جهت این سرمایه اجتماعی برای اصلاح‌طلبان وجود دارد. برای بروز این سرمایه اجتماعی و اعتمادی که جامعه می‌تواند به اصلاح‌طلبان داشته باشد، باید مانع مقدمات آن نشد و مانع ایجاد نکرد و امکانی را فراهم کرد که نظریه سیاسی رقیب در برابر اصولگرا هم بتواند ارزش خودش را داشته باشد. اساساً

نظام غیرانتخابی ایران یکپارچه پشت سر نظریه اصولگرایی است و این جزو تبعیض‌هایی است که به نفع شما شکل گرفته. لذا طبیعتاً کار اصلاح‌طلبان سخت‌تر خواهد بود.

**■ اگر اصلاح‌طلبان کاندیدای حداکثری داشتند، برنده انتخابات ۱۴۰۰ می‌شدند؟**

بله! ما حتماً اگر ظرفیت را به عنوان کاندیدا داشتیم، پیروز می‌شدیم.

**■ شما از مدل خودتان بگویید. آقای جهانگیری که چهره برجسته و نزدیک به حزب شماست، پارسال در یک مصاحبه‌ای اعلام کرد اگر در انتخابات ۱۴۰۰ تأیید صلاحیت می‌شد، صحنه انتخابات را به آقای رئیسی می‌بخشد.**

کس دیگری هم ممکن است بیازد.

**■ کاندیدای حداکثری شما چه کسی می‌توانست باشد؟**

آقای ظرفیت رقیبای سیاسی وقتی به میدان رقابت می‌روند به تناسب زمان و شرایط گزینه خودشان را عرضه می‌کنند. اشخاص موثر هستند، اثر بخشی خود در هر هیجان رقابت موثر است.

بنده طرفدار رقابت لاریجانی - ظرفیت بودم. بنده در آستانه انتخابات ۱۴۰۰ خواهش از آقای لاریجانی این بود که بیاید و رقابتی از جنس رقابت‌های صدر نظام سیاسی راه‌اندازی کنید و رقابتی شبیه رقابت ۷۶ را تدارک ببینید. سال ۷۶ رقابت بین ۲ شخصیت برجسته سیاسی چپ و راست بود و هر دو واجد صلاحیت کافی برای اداره کشور بودند. حتی آقای ناطق بالفعل از آقای خاتمی برجسته‌تر بود. آقای خاتمی هم بالقوه از خودش صلاحیت‌هایی را عرضه کرد که خیلی برجسته شد طوری که آقای رفسنجانی هم قبول داشت آقای خاتمی آدم برجسته‌ای شده است. آیا در آن انتخابات ما ضرر کردیم؟ انتخابات آن دوره، بین خوب و خوب‌تر بود. حتماً اگر انتخابات ۱۴۰۰ برپایه ظرفیت - لاریجانی شکل می‌گرفت، انتخابات بین خوب و خوب‌تر بود.

**■ ظرفیت - لاریجانی یا ظرفیت - رئیسی؟**

ظرفیت - لاریجانی. من قائل به این هستم که باید آقای لاریجانی را در موقعیت اصولگرایی به رسمیت بشناسیم.

**■ آیا بنده ۲۰ میلیونی رئیسی پشت آقای لاریجانی می‌آمد؟**

ریزش داشت اما قطعاً بیشتر می‌آمدند. داستان این است که یک شخصی متعلق به حوزه قضایی بود یا یک کارنامه‌ای که نتوانست ارائه کند. عمدتاً ماموریت رئیسی در فرآیند قضا بوده است؛ از معاون اولی و ریاست سازمان بازرسی کل کشور گرفته تا معاون دادستان تهران. در واقع نمی‌توانستید از آقای رئیسی چهره‌ای برجسته برای مردم عرضه کنید ولی آقای لاریجانی از خودش عرضه‌ای داشت. عملکرد مدیریتی آقای لاریجانی قابل احترام است. عرش و زمین، ملک و جن و پری را برای رئیسی بسجج کردند. اگر همین ظرفیت پشت سر آقای لاریجانی

قرار می‌گرفت، قطعاً و مسلماً این رای سنتی ۱۸ میلیونی را داشت و هم بخشی نیز آرای خودش را. از این جهت برای من کاملاً روشن است. کشوری که دوره ثبات ۴ دهه‌ای استقرار آن گذشته و جهان نسبت به ایران به باور رسیده است؛ یک زمانی هیچ کشوری جز شوروی و لیبی ایران را به رسمیت نمی‌شناخت. ما در زمانی به سر می‌بریم که جز اسرائیل و آمریکا سایر کشورها با ما حس همدلی دارند و این یک ارتقای منزلت سیاسی و ملی است. برای چنین کشوری باید رقابت‌های سیاسی فاخر شکل بگیرد و رفتارهای کودکانه رقم نخورد.

طبیعی است در لایه‌های پنهان اصلاح‌طلبی اختلاف سلیقه وجود دارد اما وقتی می‌خواهیم برونداد دیدگاه‌مان را عرضه کنیم، نظریه مشترک می‌دهیم. از این حیث باید سطح انتخابات به خصوص انتخابات ریاست‌جمهوری را ارتقا دهیم. یک رای متمرکز نیرومند با ظرفیت همراهی ملی بالای ۷۰ درصد، آثار تبعی خوبی در سیاست خارجی هم خواهد داشت.

**■ مشارکت بالا یک سابقه تلخ هم دارد. سال ۸۸ گذاشتند از آن ظرفیت اجتماعی استفاده کنیم.**

این مساله از بی‌تدبیری مدیران داخلی بود. می‌توانستیم آن را حل کنیم؛ کاری نداشت.

بنده همان روز انتخابات ۸۸ در پاسخ به سوال یک خبرنگار مبنی بر اینکه «پیروز انتخابات ۸۸ کیست؟» بعد از انداختن رای در صندوق گفتم: مردم. وقتی اصرار کرد، گفتم: خوش‌بینانه به مرحله دوم می‌گردد و اگر عادی قضاوت کنیم، پیروز آقای احمدی‌نژاد است.

دیگران هم همین‌طور بودند، حتی آقای تاجزاده که تندروتر بود، همین بود. اینکه بخواهیم به زور رفتار شخصی کسی را که احساس غبن کرده و می‌گوید رای من خورده شده، به همه تسری بدهیم، نمی‌شود. تعرضی که از طرف نیروهای امنیتی در حق نیروهای انتخاباتی شد، عمدتاً متوجه نیروهای طرفدار آقای خاتمی بود.

**■ نیروهای امنیتی آقای ربیعی بود که شخص اول اتاق فکر آقای موسوی بود.**

بنده گفتم نیروهای امنیتی متعرض شدند؛ مگر گفتم آقای ربیعی را گرفتند؟

**■ با توجه به حرف‌های شما اینطور برداشت شد که شاید آقای ربیعی خودشان هم در مظان اتهام باشد.**

حالا اگر بناست کسی را متهم کنیم، حرفی نیست. آقای ربیعی فراتر از این ماجراهاست. اگر بتوانیم سطح رقابت‌های سیاسی را ارتقا دهیم، ما را به سمت یک بازخوانی و نوسازی سیاسی در امر انتخابات می‌برد که این بار مشرتکی بر دوش ۲ جریان اصولگرا و اصلاح‌طلب است.

سارقان سیاست در امر سیاست‌ورزی در بزنگاه‌های انتخاباتی برای چه میدان پیدا می‌کنند؟ ما باید فعالیت‌های حزبی را جدی بگیریم. در بازسازی و نوسازی امر انتخابات باید احزاب به متن بیایند. رقابت‌های حزبی شهود و این احزاب هم صفر و صدی نیستند که به روش رای الکتراول آمریکا باشد که اگر شما چند رای بیشتر داشته باشید، کل رای برای شما باشد. این نظریه مطرح است که آیا می‌توان اقلیت را در پارلمان مداخله دهیم؟

ظاهراً شاید بشود. این رویکردی است که باید روی آن گفت‌وگو کرد و رسانه‌ها هم موثر هستند.

**■ با توجه به اینکه طیف‌های مختلف جریان اصلاحات برای ورود به عرصه انتخابات به تصمیم واحد نرسیده‌اند، اردوگاه اصلاح‌طلبان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

آیا احزاب مختلف سیاسی اصلاح‌طلبان به فهرست واحد می‌رسند؟

مقدمات حضور اصلاح‌طلبان در انتخابات فراهم نشده است. با توجه به امر تعجیل در تصویب آن ماده واحده، این فرصت از اصلاح‌طلبان گرفته

شد که ثبت‌نام کنند. واقعیت این است که ما تلاش می‌کنیم توصیه رهبری درباره مشارکت محقق شود و اگر رقابت ولو اندک حتی در برخی حوزه‌ها هم شکل بگیرد، خیلی خوب است.

ما چند هفته قبل برآورد کردیم در ۱۳۰ حوزه انتخابیه افرادی وجود دارند که یا در لایه‌های دوم و سوم جریان اصلاحات تعریف می‌شوند یا نزدیک به این تفکر هستند. این ظرفیت ارزشمندی است. اگر همه این ظرفیت ۱۶۰ - ۱۵۰ نفر در ۱۳۰ حوزه انتخابیه از تصفیه شورای نگهبان سالم دربیایند و صلاحیت‌شان تأیید شود، این یک ظرفیت خیلی مهم است و می‌شود روی آن مطالعه کرد. البته ظاهراً در تهران کسی تأیید نشده و چند نفری بودند که ردصلاحیت شدند. این یک گام موثر در تحقق نظریه رهبر انقلاب است.

**■ برآوردی از تأیید صلاحیت‌های کارگزاران دارید؟**

ثبت‌نام حدود ۱۶۰ نفر بوده اما نمی‌دانیم چند نفر تأیید صلاحیت شدند.

**■ طبق نتایجی که اعلام شده، برآوردی ندارید؟**

به نظر می‌رسد بالای ۷۰ درصد کاندیدها ردصلاحیت شده‌اند. پیش‌بینی من این است که در برخی حوزه‌های تک‌نماینده ظرفیت رقابت معنادار سیاسی با ظرفیت احزاب که پشتیبانی کنند وجود دارد. اما این تسکین و پانسمن زودگذر است. اگر بخواهیم بلندمدت فکر کنیم، باید بتوانیم امر انتخابات را ساماندهی کنیم و از همه مهم‌تر فلسفه و نوع نگاه شورای نگهبان را اصلاح کنیم.

**■ آیا با آقای روحانی و لاریجانی تصمیم‌گیری کرده‌اید که فهرست واحد بدهید؟**

خیر! مذاکره‌ای نبوده، سخن این است که نامزدهای احتمالی الزاماً نیروهای مستقیم نیستند و لایه دوم و سوم هستند.

**■ همان تعدادی که هستند...**

ممکن است بخشی از اینها در نحله فکری آقای روحانی بگنجد.

**■ آقای لاریجانی چطور؟**

بر اساس اظهار آقای حقیقت‌پور - از نزدیکان آقای لاریجانی - ایشان فعال نیست و لیستی هم ندارد.

**■ فضای انتخاباتی در جمهوری اسلامی برای حضور اصلاح‌طلبان بسته است؟**

نه! باز است. نه اصلاحات و نه خاتمی هیچ‌وقت فتنه‌گر نبوده‌اند. آقای خاتمی یک سرمایه ملی است. ممکن است حکومت و شخص رهبری از خاتمی هم دلخور باشند. این مساله را رد نمی‌کنم. انتظار آقای خامنه‌ای این بوده است که آقای خاتمی در ۸۸ یک حرکت جهشی خیلی تند داشته باشد که آقای خاتمی به تشخیص خودش این کار را نکرد و هر کسی هم باید به تشخیص خودش عمل کند. بزرگان در این کشور به تصمیم خودشان عمل می‌کنند و ما نمی‌توانیم الزام‌شان کنیم. نمی‌خواهم خیرخواهی و صلاح‌بدی که رهبری داشتند را نقض کنم اما واقعیت این است که حق آقای خاتمی در واقع ۸۸ توسط نهادهای حاکمیتی تضعیف شد. آقای خاتمی یک سرمایه است و یک آدمی بود که موثر بود و در دنیا روی او حساب می‌شد. باید از آدم‌هایی مهم صیانت کنیم. ما آدم‌هایی مثل موسوی، کروی، خاتمی، روحانی، کرباسچی و حتی احمدی‌نژاد داریم و این معنا ندارد که همین که دوره‌شان به سر می‌آید، به انسان‌هایی تبدیل شوند که نظام از آنها فرار کند و بگوید اینها آدم‌های بد و خطرناک هستند.

**■ تشکر از وقتی که برای حضور در روزنامه «وطن امروز» گذاشتید و با هم گفت‌وگو کردیم.**

**ما باید فعالیت‌های حزبی را جدی بگیریم. در بازسازی و نوسازی امر انتخابات باید احزاب به متن بیایند. رقابت‌ها باید حزبی شود و این احزاب هم صفر و صدی نیستند که به روش رای الکتراول آمریکا باشد که اگر شما چند رای بیشتر داشته باشید، کل رای برای شما باشد. این نظریه مطرح است که آیا می‌توان اقلیت را در پارلمان مداخله دهیم؟ ظاهراً شاید بشود. این رویکردی است که باید روی آن گفت‌وگو کرد و رسانه‌ها هم موثر هستند**

